



## جمله‌واره‌های متممی در کوردی سورانی و سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها

محمد صدیق زاهدی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه فرهنگیان سنندج

حبیب سلیمانی

استادیار دانشگاه کردستان

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲۱

### چکیده

در این مقاله به بررسی جمله‌واره‌های متممی<sup>۲</sup> در گویش سورانی زبان کوردی و مقایسه‌ی آن با سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی<sup>۳</sup> متمم‌ها، ارائه‌شده از سوی گیوون، پرداخته می‌شود. پس از مطالعه‌ی رفتار محمول‌ها<sup>۴</sup> و متمم‌های آن‌ها، مشخص گردید که رده‌بندی محمول‌ها و سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها در

1. Email: sediza1353@gmail.com

2. complement clauses

3. binding hierarchy

4. predicate

این گویش، بجز در مواردی اندک، با نمودار به دست داده شده توسط گیوون مطابقت دارد و مؤید این نظر وی است که سلسله مراتب مذکور گرایشی عام در میان زبان‌های بشری می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** کوردی سورانی، جمله‌واره‌ی متممی، رده‌بندی، محمول،

حوزه‌ی معنایی

## ۱- مقدمه

رده‌شناسان دسته‌ای از زبان‌شناسان هستند که به بررسی شباهت‌های ساختاری موجود میان زبان‌های بشری می‌پردازند و نتایج تحقیقات خود را به صورت یک جهانی (مطلق یا تلویحی) بیان می‌دارند. در این مقاله به دنبال پاسخ‌دادن به این پرسش می‌باشیم که محمول‌ها و متمم‌های سورانی تا چه اندازه با سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها و رده‌بندی محمول‌های گیوون که به عقیده‌ی وی یک ویژگی جهانی زبان‌های بشری است، همخوانی یا عدم همخوانی دارد. البته به منظور محدود کردن حوزه‌ی تحقیق، این بررسی صرفاً محمول‌هایی را شامل می‌شود که می‌توانند یک جمله‌واره‌ی متممی به عنوان مفعول بگیرند. چگونگی و ترتیب بخش‌های بعدی مقاله به این صورت است که پس از اشاره‌ای بسیار مختصر به نظام واجی سورانی، جمله‌واره‌های متممی و انواع آن در گویش مورد نظر بررسی و به دنبال آن نظریات گیوون در ارتباط با رده‌بندی محمول‌ها و سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها ارائه می‌گردد؛ سپس جمله‌واره‌های متممی مفعولی در سورانی در مقایسه با رده‌بندی گیوون بررسی و سرانجام در بخش آخر، نتایج حاصل از تحقیق به دست داده می‌شود.

## ۲- کوردی سورانی

سورانی یا کوردی میانی، یکی از چهار گویش اصلی زبان کوردی است که گویش‌وران آن در دو کشور ایران و عراق ساکن هستند (سه گویش دیگر عبارت‌اند از گورانی (که شامل هورامی هم هست) و زازا، کوردی جنوبی و کوردی شمالی یا کورمانجی) (اسکیرو، ۲۰۰۶)، (تکستون، ۲۰۰۶: vii). این گویش دارای ۳۰ همخوان (با احتساب /v/ که به نظر برخی در سورانی یک واج مستقل نیست) و ۸ واکه (کریمی دوستان، ۱۳۸۱) می‌باشد و ساختمان هجا در آن به صورت (C)CV(C)(C)(C) است (کلباسی، ۱۳۶۲) و (کریمی دوستان، ۱۳۷۲).

## جدول ۱. نمایش نظام واکه‌های کوردی سورانی

پسین	مرکزی	پیشین
u	u	i بسته
o		e نیم بسته
		نییم باز
a	e	باز

## جدول ۲. نمایش نظام همخوان‌های کوردی سورانی

	چاکایی	حقیقی	ملازی	نرم‌کامی	کامی	لثوی-کامی	لثوی	دندانی-لثوی	لثی-دندانی	پوستی
انفجاری	ʔ	q	k				t	p		
			g				d	b		
انسایشی						tʃ				
						dʒ				
سایشی	h	ħ	x		ʃ	s	f			
		ʕ	ɣ		ʒ	z	v			
خیشومی			ŋ			n		m		
کناری			ɫ			l				
زنشی						r				
لرزشی						r				
نییم‌واکه					j			w		

## ۳- جمله‌واره‌ی متممی و انواع آن در سورانی

از آنجا که جمله‌واره‌های موصولی<sup>۱</sup> شباهت زیادی به جمله‌واره‌های متممی دارند، به منظور رفع هرگونه ابهام و جلوگیری از روی‌دادن هرگونه اشتباه که ممکن است از این امر ناشی گردد ابتدا، به طور خیلی مختصر، توضیحاتی در مورد جمله‌واره‌های موصولی ارائه و به دنبال آن، به جمله‌واره‌های متممی می‌پردازیم.

---

1. relative clauses

جمله‌واره‌های موصولی درون یک گروه اسمی قرار می‌گیرند و به نوعی، هسته‌ی آن را که معمولاً یک اسم است و مرجع آنها در نظر گرفته می‌شود، توصیف می‌کنند (دیکسون، ۲۰۰۶). این جمله‌واره‌ها با استفاده از یکی از ضمیرهای موصولی *wa, ke* یا *kewa* که همگی به معنی "که" می‌باشند به جمله‌واره‌ی اصلی مربوط می‌شوند. لازم به ذکر است که کاربرد ضمیر موصولی اختیاری است و به همین دلیل، در جملات زیر درون پرانتز آورده شده است. جمله‌واره‌ی موصولی و مفعول فعل اصلی هم درون نشانه‌ی [] قرار داده شده‌اند:

1. (a) [kam wenet] dərənd?

کدام عکس را پاره کردی؟

(b) [ʔew wenejəm [(ke/wa/kewa) ləgeʔ Hiwam gərtəbu]] dərənd.

عکسی را که با هیوا گرفته بودم پاره کردم.

یا

(c) [ʔew wenejəm] dərənd [(ke/wa/kewa) ləgeʔ Hiwam gərtəbu].

عکسی را پاره کردم که با هیوا گرفته بودم.

در این گونه ساختارها دو فعل وجود دارد؛ فعل جمله‌واره‌ی اصلی (محمول) و فعل جمله‌واره‌ی موصولی. این دو از همدیگر مستقل می‌باشند و هر فعلی، صرفاً با در نظر گرفتن مسائل معنایی، می‌تواند در این جایگاه‌ها به کار برود.

در تعریف جمله‌واره‌ی متممی گفته‌اند که "جمله‌واره‌ی متممی جمله‌واره‌ی است که نقش یکی از موضوع<sup>۱</sup> های محمول را ایفا می‌کند" (دیکسون، ۲۰۰۶) و همان گونه که در دو مثال زیر ملاحظه می‌گردد کل جمله‌واره که داخل نشانه‌ی < قرار داده شده است، نقش یکی از موضوع‌های فعل یا محمول جمله‌واره‌ی اصلی را دارد: در نمونه‌ی ۲ جمله‌واره‌ی متممی نقش فاعل فعل *wəra dan* به معنی روحیه‌د/دن و در مثال ۳ نقش مفعول فعل *zanin* به معنی فهمیدن یا دانستن را ایفا می‌کند. همان گونه که پیش‌تر ذکر گردید، در اینجا فقط جمله‌واره‌های متممی دارای نقش مفعولی مورد بررسی قرار می‌گیرند و دیگر به جمله‌واره‌های فاعلی پرداخته نمی‌شود.

2) <ʔeme ke xot lawe bujt> wərej da bə məndaʔekan.

1. argument

اینکه خودت آنجا بودی به بچه‌ها روحیه داد.

### 3) *zanim <(kə) dəro dəkat>*.

فهمیدم که دروغ می‌گوید.

در این گونه ساختارها هم، دست‌کم دو فعل وجود دارد: الف) فعل جمله‌واره‌ی متممی که به شرطی که از نظر معنایی تناقض ایجاد ننماید، می‌تواند هر فعلی باشد؛ و ب) فعل جمله‌واره‌ی اصلی که فقط افعال مشخصی را شامل می‌شود. در واقع هر فعلی نمی‌تواند به عنوان مفعول، یک جمله‌واره‌ی متممی بگیرد و فعل‌های خاصی دارای این ویژگی می‌باشند؛ با این وجود، در مورد این فعل‌ها یا به عبارت بهتر، محمول‌ها در میان زبان‌های جهان شباهت‌های زیادی وجود دارد و تقسیم‌بندی‌های معنایی جالبی از آن‌ها و نوع متمم‌هایی که می‌توانند بگیرند صورت گرفته است. از میان محمول‌هایی که در سورانی از این ویژگی برخوردارند می‌توان به این موارد اشاره نمود: *wistən, bərjar dan, ra gərtən, bistən, weran* و غیره.

در سورانی دو نوع جمله‌واره‌ی متممی وجود دارد. در نوع اول، جمله‌واره‌ی متممی از نظر معنایی، کامل بوده، می‌تواند همچون یک جمله‌ی مجزا، به صورت مستقل از جمله‌واره‌ی اصلی به کار برود. به علاوه، فعل جمله‌واره‌ی اصلی نمی‌تواند بر مشخصه‌های صرفی- نحوی<sup>۱</sup> آن مانند زمان، نمود، وجه، حالت و غیره، تأثیر بگذارد یا آن‌ها را تعیین نماید. در این نوع، دو جمله‌واره به وسیله‌ی متمم‌نمای *kə* به معنی "که" به هم مربوط می‌شوند (و به همین خاطر آن را نوع *kə* می‌نامیم)؛ هرچند که، کاربرد متمم‌نما اختیاری است و در محاوره معمولاً حذف می‌گردد.

### 4) *boman dər kəwtuwe <(kə) najawe betewe>*.

برایمان مشخص شده/فهمیده‌ایم که نمی‌خواهد برگردد.

### 5) *dawajan le dəkejn <(kə) pəman bəten <(kə) ke ʔemey gutuwe>>*.

از آنها درخواست می‌کنیم که به ما بگویند چه کسی این را گفته است. در نوع دوم، فعل جمله‌واره‌ی متممی به صورت مصدر می‌آید یعنی فاقد مشخصه‌های دستوری شخص، شمار و زمان و به عبارت دیگر، ناخودایستا<sup>۲</sup> می‌باشد. این نوع را جمله‌واره‌ی

1. morpho-syntetic features  
2. non-finite

متممی مصدری می‌نامیم.

6) *dəstjan kərd be <ɾuxandəni mətəkən>/ <ɾuxandəni mətəkənjən> dəst pe kərd.*

شروع کردند به خراب کردن خانه‌ها/ خراب کردن خانه‌ها را شروع کردند.

7) *ʔəbe kotaji benən be ʔaɾawe nanewe.*

باید آشوب‌به‌پاک کردن را خاتمه بدهند/ باید از آشوب‌به‌پاک کردن دست بردارند.

### ۳- سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌های فعلی

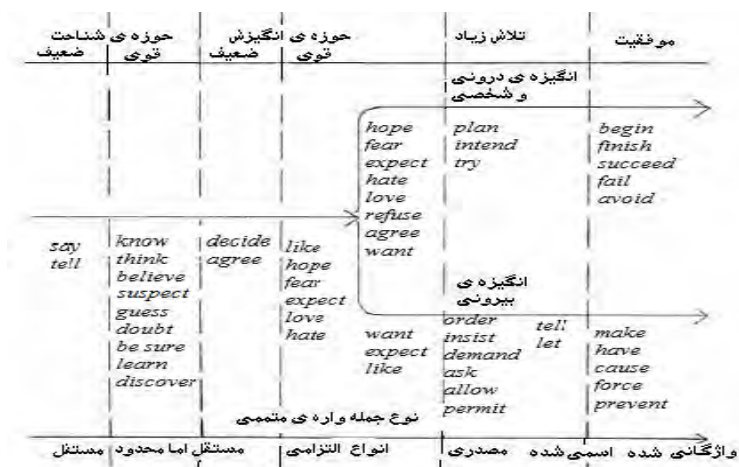
گیوون (۱۹۸۰) شواهدی ارائه می‌نماید که نشان می‌دهد مرجع‌گزینی جمله‌واره‌ی متممی بر مبنای سلسله‌مراتب خاصی صورت می‌گیرد. به علاوه، وی معتقد است که این امر یک گرایش جهانی در میان همه‌ی زبان‌ها می‌باشد. در همین راستا، وی به دسته‌بندی معنایی و نحوی جمله‌واره‌های متممی می‌پردازد. مقیاس وی برای رده‌بندی معنایی، تعلق داشتن به یک حوزه یا مقوله‌ی معنایی خاص است. او سه حوزه‌ی معنایی را که با هم هم‌پوشانی دارند به عنوان مقیاس رده‌بندی در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از حوزه‌ی شناخت<sup>۱</sup>، حوزه‌ی انگیزش<sup>۲</sup> و سببیت<sup>۳</sup> که با توجه به شدت و ضعف‌شان هر یک خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. در نتیجه، ما شش حوزه خواهیم داشت که شامل شناخت قوی، شناخت ضعیف، انگیزش قوی، انگیزش ضعیف، تلاش زیاد<sup>۴</sup> و موفقیت<sup>۵</sup> یا سببیت می‌باشد. بر مبنای این رده‌بندی، هرچه رده‌ی فعل یا محمول جمله‌واره‌ی اصلی بالاتر باشد، کنشگر جمله‌واره‌ی متممی بیش‌تر تحت تأثیر کنشگر<sup>۶</sup> جمله‌واره‌ی اصلی قرار می‌گیرد و از استقلال عمل کم‌تری نیز برخوردار است.

برای رده‌بندی نحوی، ملاک او میزان پذیرش مشخصه‌های صرفی- نحوی مانند مشخصه‌های زمان، نمود، حالت‌نشانی<sup>۷</sup> و غیره است به این معنی که، هرچه رده‌ی فعل جمله‌واره‌ی اصلی بالاتر باشد کنشگر جمله‌واره‌ی متممی احتمال کم‌تری دارد که مشخصه‌های حالت‌نشانی فاعل/کنشگر را از خود نشان دهد و احتمال اینکه فعل آن هم

1. epistemic attitude
2. emotive attitude
3. implicative
4. strong attempt
5. success
6. agent
7. case-marking

مشخصه‌های زمان، نمود و وجه را بگیرد پایین می‌آید.

شکل ۱. نمودار سلسله‌مراتب رده‌بندی گیوون به نقل از ویلر (۲۰۰۶)



بر اساس رده‌بندی صورت‌گرفته بر مبنای دو ملاک معنایی و نحوی (همان‌گونه که در شکل ۱ مشخص است)، محمول‌هایی که به حوزه‌ی شناختی ضعیف، که در پایین‌ترین قسمت این رده‌بندی قرار گرفته است، تعلق دارند به طرف‌گزینش متمم‌هایی میل می‌کنند که جمله‌واره‌هایی کاملاً مستقل هستند به این معنی که، از جمله‌واره‌ی اصلی قابل تشخیص و تفکیک‌اند و می‌توانند به عنوان جمله‌ای مستقل به کار بروند. اما آنهایی که متعلق به حوزه‌ی موفقیت می‌باشند، و بالاترین رده را به خود اختصاص داده‌اند، بیش‌تر متمم‌هایی را برمی‌گزینند که تمایل دارند با جمله‌واره‌ی اصلی تلفیق شوند مانند جمله‌واره‌های مصدری. دیگر محمول‌ها و جمله‌واره‌های متممی در حد فاصل این دو رده قرار می‌گیرند که، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، به طور کامل از همدیگر قابل تفکیک نیستند و با هم هم‌پوشانی دارند.

#### ۴- سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها در سورانی

همان‌گونه که در بخش قبل گفته شد، گیوون معتقد است که مرجع‌گزینی متمم‌ها بر اساس سلسله‌مراتب خاصی که یک گرایش جهانی در میان زبان‌های مختلف است صورت می‌گیرد. برای روشن‌شدن این مطلب که مرجع‌گزینی متمم‌ها در زبان کوردی تا چه اندازه با این گرایش جهانی مطابقت دارد یا ندارد، تعدادی از محمول‌هایی که می‌توانند، به عنوان

مفعول، یک جمله‌واره‌ی متممی بگیرند به صورت اتفاقی، انتخاب و بر مبنای ملاک معنایی به‌دست‌داده‌شده توسط گیوون و همچنین، با توجه به نوع جمله‌واره‌ای که می‌تواند به عنوان مفعول بگیرند، به صورتی که در شکل ۲ آمده است، رده‌بندی شده‌اند. محمول‌ها در اولین ستون سمت چپ جدول، از بالا به پایین و بر اساس تعلق‌شان به حوزه‌های معنایی، که قبلاً ذکر گردید، مرتب شده‌اند. حوزه‌ی معنایی هر محمول، در مقابل آن در ستون سوم نوشته شده است که همان گونه که مشخص می‌باشد از پایین‌ترین رده یعنی شناختی ضعیف شروع و به بالاترین رده یعنی موفقیت ختم می‌گردد. جمله‌واره‌های متممی هم در سمت راست جدول، از مستقل به وابسته، نوشته شده‌اند به این ترتیب که، جمله‌واره‌ی نوع *ke* که کاملاً مستقل از جمله‌واره‌ی اصلی است در سمت چپ نوع مصدری که نمی‌تواند مستقل از جمله‌واره‌ی اصلی باشد قرار داده شده و قبل از آن آمده است.

جدول ۳. محمول‌ها، حوزه‌ی معنایی و متمم‌های آن‌ها در سورانی

مصدری	<i>ke</i>	حوزه‌ی معنایی	معادل فارسی	محمول
*	√	شناخت ضعیف	گفتن	gutən
*	√	شناخت ضعیف	تعریف کردن	geranewə
√	√	شناخت قوی	دانستن، فهمیدن	zanin
√	√	شناخت قوی	یاد گرفتن	fer bun
√	√	شناخت قوی	مشخص / آشکار شدن	dər kewtən
√	√	شناخت قوی	دیدن	binin
√	√	شناخت قوی	شنیدن	bistən
√	√	شناخت قوی	به خاطر آوردن	(we) bir hatənewə
√	√	انگیزش ضعیف	قبول کردن	qəbuʔ kərdən
√	√	انگیزش قوی	آرزو کردن، امیدوار بودن	ʔawat xwastən
√	√	انگیزش قوی	ترسیدن	tərsin
*	√	انگیزش قوی	جرات کردن	weran
√	√	انگیزش قوی	آماده بودن	ʔamada bun
√	*	انگیزش قوی	نفرت داشتن از	rəq le bun
√	√	انگیزش قوی	دوست داشتن	həz kərdən
√	√	انگیزش قوی	قول دادن، تصمیم گرفتن	bəryar dan
√	√	انگیزش قوی	خواستن، تصمیم گرفتن	wistən
√	√	تلاش	کوشیدن	tekoʔin
*	√	تلاش	توانستن	towanin
√	√	تلاش	لازم بودن	pewist bun
√	√	تلاش	فرمان دادن	ferman dan



pe da gərtən	اصرار کردن	تلاش	ا.د.	√	√
dawa le kərdən	درخواست کردن از	تلاش	ا.ب.	√	√
han dan	ترغیب کردن	تلاش	ا.ب.	√	√
heftən	اجازه‌دادن	تلاش	ا.ب.	√	*
dəst pe kərdən	شروع کردن به / شروع شدن	موفقیت	ا.د.	*	√
kotaji hatən/ pe henan kotaji	تمام‌شدن / به اتمام رساندن	موفقیت	ا.د.	*	√
ra gərtən	متوقف کردن	موفقیت	ا.د.	*	√
sərkewtən bə dəst henan	موفقیت کسب کردن	موفقیت	ا.د.	*	√
xo ladan	اجتناب / دوری کردن	موفقیت	ا.د.	*	√
xo parastən	پرهیز کردن	موفقیت	ا.د.	*	√
naʃar kərdən	مجبور کردن	موفقیت	ا.ب.	√	√
bunə hoj	باعث شدن	موفقیت	ا.ب.	*	√
le kəwtənəwe	منجر شدن به	موفقیت	ا.ب.	*	√

√: کاربرد دستوری \* : کاربرد غیردستوری ا.د: انگیزش درونی<sup>۱</sup> ا.ب: انگیزش بیرونی<sup>۲</sup>

همان گونه که از جدول فوق برمی‌آید، سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها در سورانی، در ابتدا و انتهای جدول و در مورد محمول‌های مربوط به حوزه‌ی شناخت ضعیف (پایین‌ترین رده) و حوزه‌ی موفقیت (بالا‌ترین رده) بر نمودار سلسله‌مراتب گیوون منطبق است اما، در مورد حوزه‌های مابین این دو، هم‌پوشانی وجود دارد و به جز در چند مورد معدود، اکثر محمول‌هایی که در حد فاصل این دو حوزه واقع شده‌اند می‌توانند با متمم‌هایی از هر دو نوع به کار بروند اگر چه، کاربرد آن‌ها با جمله‌واره‌های نوع ke دارای محدودیت‌های خاصی است و کلیه‌ی محمول‌های متعلق به حوزه‌های انگیزش (قوی و ضعیف هر دو) و تلاش فقط با جمله‌واره‌هایی می‌آیند که فعل آن‌ها دارای وجه التزامی باشد.

8) qəbuʔi kərdəwe (ke) bejani bəgəretəwe.

قبول کرده است که فردا برگردد.

9) hez ʔekəm (ke) bibinəm.

دوست دارم که ببینمش.

10) naməwe (ke) le geʔ xojan bihenən.

نمی‌خواهم که او را با خودشان بیاورند.

1. self-inducement  
2. other-manipulation

11) *fermani dawə (kə) zu bə zu peʃ bə bəʔaw bunewəj bəgrən.*

دستور داده است که هر چه سریع‌تر جلوی گسترش آن را بگیرند.

12) *hani bəde (kə) xoj binuset.*

او را تشویق کن که خودش آن را بنویسد.

لازم به ذکر است که گیوون خود وجود هم‌پوشانی در این حوزه‌ها را پیش‌بینی نموده است و بنابراین، وجود آن به معنای عدم انطباق با سلسله‌مراتب پیشنهادی وی نیست. او ادعا نمی‌نماید که همه‌ی زبان‌ها از این سلسله‌مراتب تبعیت می‌نمایند؛ و آن را نه یک ویژگی مطلق زبان بلکه، یک گرایش عام در میان زبان‌های بشری می‌داند که زبان‌های مختلف به نسبت‌ها و درجات متفاوت به مطابقت با آن گرایش دارند. اما مواردی در داده‌ها وجود دارد که به نظر نمی‌رسد بتوان آن‌ها را هم‌پوشانی نامید. این موارد، که در قسمت بعد به آن‌ها پرداخته می‌شود، به وضوح عدول از سلسله‌مراتب مورد بحث را نشان می‌دهند.

#### ۴-۱- موارد عدم انطباق

یکی از مهم‌ترین این موارد *natʃar kərdən* از محمول‌های حوزه‌ی موفقیت است که براساس شکل ۱ در بالاترین رده‌ی سلسله‌مراتب جای دارد و بنابراین باید متممی از نوع مصدری بگیرد اما، همان گونه که مثال‌های زیر نشان می‌دهند، این محمول بیش‌تر متمم‌هایی از نوع *ke* می‌پذیرد (البته با این محدودیت که فعل جمله‌واره‌ی متممی باید التزامی باشد) و تنها وقتی با متمم‌های مصدری به کار می‌رود که با حرف اضافه‌ی *bə* به معنی "به" همراه باشد:

13) *natʃari kərdin (kə) maʔəkə xawen (bə)kəjnəwə.*

مجبورمان کرد که خانه را تمیز کنیم.

14) *natʃar bə rojʃtəni kərdin.*

مجبور به رفتنمان کرد.

آیا می‌توان با توسل به ویژگی‌های معنایی به توجیه این امر پرداخت؟ در پاسخ باید گفت که اگرچه هیچ ویژگی معنایی خاصی وجود ندارد که آن را از بقیه‌ی محمول‌های این حوزه جدا نماید اما، شاید بتوان دلیل رفتار استثنایی آن را داشتن ویژگی معنایی "انگیزه‌ی بیرونی" دانست؛ و این به معنای پذیرش این امر است که ویژگی معنایی به تنهایی و به صورت مستقل می‌تواند به انتخاب جمله‌واره‌ی متممی خاصی منجر گردد.

مورد بعدی در گروه محمول‌های حوزه‌ی تلاش به چشم می‌خورد. در این گروه همه‌ی محمول‌ها می‌توانند با هر دو نوع جمله‌واره‌ی متممی به کار بروند به جز *tuwanin* و *heftən* که فقط با متمم‌های نوع *ke* می‌آیند و این امر با توجه به جایگاه آن‌ها در رده‌بندی محمول‌ها، کاملاً با رفتار مورد انتظار از آن‌ها مخالف می‌باشد.

#### 15) *nəjheft (ke) pekəwə kajə (bə)kejn.*

اجازه نداد که با هم بازی کنیم.

#### 16) *nemantuwani (ke) ?agəreke bəkuzeninewə.*

نتوانستیم که آتش را خاموش کنیم.

در رابطه با *heftən*، همچون مورد قبلی، می‌توان ویژگی معنایی "انگیزه‌ی بیرونی" را به عنوان دلیل محتمل در نظر گرفت اما در مورد *tuwanin*، این امر صدق نمی‌نماید و هیچ توجیهی نمی‌توان برای آن به دست داد. در حوزه‌ی انگیزش، محمول‌ها سه نوع رفتار متفاوت از خود نشان می‌دهند: اکثر آن‌ها می‌توانند متمم‌هایی از هر دو نوع بگیرند:

#### 17) *bərjari dawə (ke) pərdeke xas katəwə.*

قول داده است که پل را تعمیر کند.

#### 18) *bərjari xas kərdnawəj pərdekej dawə.*

قول تعمیر کردن پل را داده است.

اما *rəq le bun* فقط با متمم‌های مصدری می‌آید که با وجود استثنا بودن در میان اعضای گروه، منطبق بر نمودار سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها است و بنابراین نیاز به توجیه ندارد.

#### 19) *rəqəm le paranəwəje.*

از التماس کردن متنفرم.

در مقابل، *weran* تنها متمم‌های نوع *ke* را می‌پذیرد و این، بر اساس نمودار سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی، با رفتار مورد انتظار از آن در تضاد قرار دارد.

در رابطه با *heftən*، همچون مورد قبلی، می‌توان ویژگی معنایی "انگیزه‌ی بیرونی" را به عنوان دلیل محتمل در نظر گرفت اما در مورد *tuwanin*، این امر صدق نمی‌نماید و هیچ توجیهی نمی‌توان برای آن به دست داد.

چنان که مشاهده می‌گردد تعداد مواردی که رفتارشان در تضاد با نظر گیوون قرار

می‌گیرند بسیار اندک می‌باشد و بر اساس آن‌ها نمی‌توان حکم به مردودبودن نظر وی داد و به گفته‌ی ویلر " ... سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی متمم‌ها را نباید یک فرمول پیش‌بینی‌کننده یا قاعده‌ی جهانی بلکه باید یک گرایش عام دانست ... و داده‌های واقعی زبان به دلیل پیچیده بودن‌شان، هیچگاه به طور کامل با نظریه همخوانی ندارند" (ویلر، ۲۰۰۶).

## ۵- نتیجه

در این نوشته، که در پاسخ به این پرسش به انجام رسید که سلسله‌مراتب مرجع‌گزینی جمله‌واره‌های متممی گیوون تا چه اندازه در مورد سورانی صدق می‌نماید، به بررسی جمله‌واره‌های متممی گویش مذکور پرداختیم. نتایج کلی بررسی، صادق‌بودن آن را در مورد این گویش تأیید می‌کند؛ به این صورت که محمول‌هایی که در رده‌بندی محمول‌ها، پایین‌ترین و بالاترین رده‌ها را به خود اختصاص داده‌اند با نظر گیوون همخوانی کامل دارند؛ اما در مورد محمول‌های رده‌های میانی این امر صادق نیست و چیزی که در این رده‌ها بیش‌تر جلب توجه می‌نماید میزان بالای هم‌پوشانی آن‌ها می‌باشد به طوری که، بیش‌ترشان می‌توانند به عنوان مفعول، جمله‌واره‌های متممی از هر دو نوع مصدری و  $Ka$  بگیرند؛ که البته امکان این امر در نظریه پیش‌بینی شده و بنابراین نیازی به توجیه ندارد. از طرف دیگر، مواردی وجود دارد که به وضوح عدول از سلسله‌مراتب مورد بحث را نشان می‌دهند. وجود این موارد به معنای رد سلسله‌مراتب رده‌بندی متمم‌ها نیست؛ که نه به عنوان قاعده‌ای غیر قابل عدول، بلکه به صورت گرایشی عام در میان زبان‌های دنیا در نظر گرفته می‌شود که زبان‌های مختلف به درجات متفاوت از آن تبعیت می‌نمایند.

## منابع

- کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۷۲)، "ساختمان هجا در زبان کردی"، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱ و ۲، ۳۵: ۲۴۸-۲۳۵.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۸۱)، "دستگاه واجی گویش کردی سنندجی"، مجله‌ی زبان‌شناسی، سال دهم، بهار و تابستان، ۵۵-۶۲.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۲)، گویش کردی مهابادی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- Dixon, R.M.W (2006), “Complement Clauses and Complementation Strategies in Typological Perspective”. In R.M.W Dixon and Alexandra Y. Aikhenvald (eds), *Complementation: A Cross-Linguistic Typology*, New York: Oxford University Press, pp. 1-48.
- Givon, Talmy (1980), “The Binding Hierarchy and the Typology of Complements”, *Studies in Language*, 4:33, 333-377.
- Skjærnvø, P.O. (2006), “Kurdish” in K. Brown (ed.) *Encyclopedia of Language and Linguistics* (2<sup>nd</sup> ed.), USA: Elsevier, pp.4925-4926.
- Thackston, W. M. (2006), *Sorani Kurdish: A Reference Grammar* (unpublished), Pdf format.
- Wheeler, Benjamine (2006), “Complementation in Colloquial Sinhala: Observations on the Binding Hierarchy”, In R. Englebretson and Carol Genetti (eds), *Santa Barbara Papers in Linguistics* 17, pp. 172-184.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی